



Psychologization in Television (Discourse Analysis of the "Bookaholic (ketabbaz)" Talk Show)

Mohammad Farhadi¹ 

1. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: ma.farhadi@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 10 November 2023
Received in revised form: 4
December 2023
Accepted: 4 December 2023
Published online: 4 December
2023

Keywords:

Psychologization, Television,
Neoliberalism, Individualism,
"Bookaholic" talk show,
Discourse Analysis.

ABSTRACT

Introduction: The problematic of this article is to describe the mechanisms and consequences of the process of psychologization. The article argues that this process is the result of macroeconomic political relations, but its mechanisms and consequences are hiding by psychological mechanisms.

Method: In order to show the characteristics of this phenomenon, the TV talk show "KetabBaaz"(bookaholic) has been subjected to discourse analysis. The data to be analyzed are the text and the selected method must be able to capture the complexities and implications of the text, which discourse analysis has this quality.

Findings: The central propositions of the six final programs of the introduction of the book in this program are accepting the status quo and tolerating it, encouraging individuals to get rid of alienation that is structural product, mental flexibility to accompany the changes in the world, reducing greed to curb capitalism, disobedience to expand the market and remove mental barriers to stablishing status que. Adapting to the status quo is all in line with psychologization and individual change to adapt to the fluid flows of the market.

Results: This article concludes that by depoliticizing and de-economizing the existing situation, the reduction of macro problems to the individual reduces the phenomena to the individual and justifies and legitimizes macro relations, which serves neoliberalism as the dominant order of the world. In this way, the process of domination is taken for granted and deepened, and the only way to face it is to equip a person with survival skills in this exhausting competition and as a result, acquit the system.

Cite this article: Farhadi, M. (2023). Psychologization in Television (Discourse Analysis of the "Bookaholic(ketabbaz)" Talk Show). *Sociological Journal of Art and Literature*, 15 (1),169-189.
<https://doi.org/10.22059/JSAL.2023.367240.666282>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSAL.2023.367240.666282>

روان‌شناسی‌سازی^۱ در تلویزیون (تحلیل گفتمان برنامه «کتاب‌باز»)

محمد فرهادی^۱

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، رایانامه: ma.farhadi@razi.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مقدمه: مسأله اصلی این مقاله توصیف سازوکارها و پیامدهای فرایند روان‌شناسی‌سازی است. مقاله استدلال می‌کند این فرایند حاصل مناسبات اقتصاد سیاسی کلان است، اما مکانیسم‌ها و پیامدهای آن با استفاده از سازوکارهای روان‌شناسی پنهان می‌شود.
تاریخ دریافت: ۱۹ آبان ۱۴۰۲	روش: برای نشان دادن اوصاف این پدیده، برنامه گفتگو محور «کتاب‌باز» تلویزیون مورد تحلیل گفتمان قرار گرفته است. داده‌های مورد تجزیه و تحلیل متن هستند و روش انتخاب شده باید بتواند پیچیدگی‌ها و مفاهیم متن را به تصویر بکشد که تحلیل گفتمان دارای این کیفیت است.
تاریخ بازنگری: ۱۳ آذر ۱۴۰۲	یافته‌ها: گزاره‌های مرکزی شش برنامه پایانی معرفی کتاب در این برنامه، پذیرش وضع موجود و تحمل آن، تشویق افراد برای رفع از خودبیگانگی، انعطاف ذهنی برای همراهی با تغییرات جهان، کاستن از حرص و طمع برای مهار سرمایه‌داری، نافرمانی برای گسترش بازار و رفع موانع ذهنی سازگاری با وضع موجود، همگی در راستای روان‌شناسی‌سازی و تغییر فردی برای انطباق با جریان‌های سیال بازار است.
تاریخ پذیرش: ۱۳ آذر ۱۴۰۲	نتایج: این مقاله نتیجه می‌گیرد تقلیل مشکلات کلان به فرد با سیاست‌زدایی و اقتصاد‌زدایی از وضع موجود، پدیده‌ها را تحریف می‌کند و مناسبات کلان را توجیه کرده و مشروعیت می‌بخشد که در خدمت نتولیرالیسم به مثابه نظم مسلط جهان است. از این رهگذر فرایند سلطه بدیهی انگاشته شده و تعمیق می‌شود و تنها راه مواجهه با آن تجهیز فرد به مهارت‌های بقا در این رقابت فرساینده و در نتیجه تبرئه سیستم است.
تاریخ انتشار: ۱۳ آذر ۱۴۰۲	

کلیدواژه‌ها:

روان‌شناسی‌سازی، تلویزیون، نتولیرالیسم، فردگرایی، برنامه «کتاب‌باز»، تحلیل گفتمان.

استناد: فرهادی، محمد (۱۴۰۲). روان‌شناسی‌سازی در تلویزیون (تحلیل گفتمان برنامه «کتاب‌باز»). *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۱۵(۱)، ۱۶۹-۱۸۹.

<https://doi.org/10.22059/JSAL.2023.367240.666282>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSAL.2023.367240.666282>

¹. psychologization

۱. طرح مسأله

از منظر جامعه‌شناسی، تفکیک سطوح خرد و کلان تنها ارزش تحلیلی دارد و تأکید بر یکی از این دو، واقعیت اجتماعی را تحریف می‌کند، لذا «طرح مسأله»^۱ جامعه‌شناختی باید بتواند سازوکار پیوند آن‌ها را آشکار کند. مناسبات زندگی روزمره در سطح خرد و تعاملات فردی، متأثر از مناسبات کلان هستند و بدون ارجاع به آن‌ها به فهم در نمی‌آیند، اما با توصیف یکی می‌توان ابعاد دیگری را نیز نشان داد.

ایران در سه دهه اخیر تحولاتی اساسی از سرگذرانده است که سامان نهادهای مستقر و منظومه ذهنی آدمیان را دگرگون کرده است. این تحولات که از اقتصاد و با غلبه منطق بازار آغاز شد، به سایر مناسبات از جمله دین، هنر، سیاست، فرهنگ و «خود» نیز سرایت کرد. سامان جدید، انسان ترازنوینی اقتضا می‌کرد که با این تحولات سازگار شود. استقرار این سامان البته بی‌مناقشه نبوده و جنبش‌های جمعی کوچک و بزرگی را پدید آورده است که له یا علیه این مناسبات بوده‌اند.

سوژه سازگار با بازار باید انعطاف‌پذیر، گشاده به تغییر، خودراهبر و همپای تحولات بازار تغییر کند. برای توجیه این اوصاف «خود» باید از قید جامعه رها شود و به مثابه موجودی خودبسنده که مسئولیت توسعه خود را به عهده دارد بدل شود. فردگرایی دین جدید این نظم است و ترویج آن به عهده کشیشان این دین یعنی روان‌شناسان^۲ گذاشته شد. از این پس فرد به پروژه خود برای توسعه و بده‌بستان به مثابه یک برند بدل گردید که باید با یادگیری مداوم مهارت‌ها خود را با نیاز بازار منطبق کند. در این راستا ذهن و بدن موضوع مبادله شدند و گرایشی از روان‌شناسی متولی بازاریابی این کالا شد. از این پس فرد در مرکز جهان ایستاد که همه چیز در نسبت با او تعریف می‌شود؛ مناسبات کلان غیرقابل تغییر معرفی شدند و فرد باید با مهارت‌های ذهنی و فردی خود را با آن‌ها منطبق کند. به این ترتیب روز به روز عرصه‌های بیشتری از زندگی به موضوع روان‌شناسی بدل شدند، زیرا در نهایت «فرد» باید با آن‌ها مواجه شود؛ شعار این است که مناسبات کلان بیرون از اراده ما بوده و قابل تغییر نیستند، فرد باید تغییر کند.

این فرایند که در پاسخ به مناسبات مستقر اقتصادی، سوژه تازه‌ای پدید آورده، روان‌شناسی‌سازی نام گرفته است (دا وس^۳، ۲۰۱۳). این پدیده خود پاره‌ای از جریان پزشکی‌سازی (کنراد^۴، ۲۰۰۷) است که طی آن پدیده‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. پیوند دانش و خودکشی، زیبایی و ... به وجه پزشکی و فیزیکی تقلیل داده و ابعاد اجتماعی و سیاسی آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. پیوند دانش و مناسبات حکمرانی را فوکو (۱۳۹۸) آشکار کرده بود و اوصاف عینی آن در مفهوم پزشکی‌سازی^۵ و روان‌شناسی‌سازی تشریح شده است. وجه اشتراک این دو جریان، تقلیل واقعیات اجتماعی به امر فردی و تبرئه سیاست و اقتصاد از نقش خود در وضع موجود و رهاکردن او در برهوت تقدیر است.

روان‌شناسی‌سازی از مطب مشاوره و تراپی بیرون آمده و در ادبیات، هنر، دین و فرهنگ بازتولید می‌شود که محصول آن سوژه نئولیبرال یا سوژه کارآفرین (شارف^۶، ۲۰۱۶؛ پولاک و روسیته^۷، ۲۰۱۰) است که تمام هویت او به نقش اقتصادی‌اش در بازار تقلیل

^۱ . problematic

^۲ . در اینجا کلیت این علم مدنظر نیست. ناگفته پیداست روان‌شناسی علم شریفی است اما در این مسیر قربانی نظم جدید شده و ابعاد رهایی‌بخش آن کمرنگ شده است.

^۳ . De Vos

^۴ . Conrad

^۵ . medicalization

^۶ . Scharff

^۷ . Pollack & Rossiter

یافته اما به عنوان فرد موفق صورت‌بندی و معرفی می‌شود. بر قیاس سایر نهادها، تلویزیون نیز در ایران این منطق را پذیرفته و ترویج می‌کند و برنامه‌های متعدد از تبلیغات بازرگانی گرفته تا سریال‌های داستانی و برنامه‌های گفتگومحور جدی یا سرگرمی را در این راستا تولید و پخش می‌کند.

«کتاب‌باز» برنامه‌ای سرگرم‌کننده با محتوای معرفی کتاب برای ترویج کتابخوانی از زبان کسانی است که با خواندن یا نوشتن، با کتاب سروکار دارند. برنامه‌ای پر مخاطب که به گفته مجری آن، نزدیک به ۶۵۰ قسمت از آن در ۵ فصل (از سال ۹۵ تا ۱۴۰۰) از شبکه نسیم که مخصوص سرگرمی است پخش شده است. هدف این مقاله تحلیل گفتمان کتاب‌های معرفی شده در این برنامه، به منظور نشان دادن مؤلفه‌های روان‌شناسی‌سازی در تلویزیون ایران است. آشکار است نمی‌توان این ادعا را به کل برنامه‌های تلویزیون تعمیم داد و ادعاهای مقاله محدود به این نمایش خاص است. اما با معرفی ویژگی‌های این برنامه می‌توان ابزاری برای ارزیابی سایر برنامه‌های تلویزیون نیز فراهم کرد.

۲. متکای مفهومی

نئولیبرالیسم به مثابه پیش‌ران روان‌شناسی‌سازی، مدلی از اقتصاد سیاسی و حکمرانی است که سرچشمه‌های تاریخی آن، بخشی از درون‌مایه سیاسی آن را آشکار می‌کند. این مدل از بحث‌های اردولیبرالیسم مکتب فرایبورگ که حول‌هایک جمع شده و ضد سیاست‌های کینزی بودند، سرچشمه می‌گیرد و با مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی و استعفای دولت از وظایف عمومی عملیاتی می‌شود (ونوگوپال^۱، ۲۰۱۵). فوکو (۲۰۰۸) نئولیبرالیسم را نوعی عقلانی‌سازی حکمرانی با دولت حداقلی می‌داند که سود گرداننده آن است. این مدل از نظر فوکو «هدایت و اداره کردارها» از طریق تربیت انسانی خودگردان، فردی‌شده و مجری تصمیمات خودمحرورانه‌اند که به کارآفرین خودش بدل شده است (ترکل^۲ و دیگران، ۲۰۱۶). برخی نئولیبرالیسم را با دولت کوچک و ضعیف در مقابل بازار بزرگ و قدرتمند معرفی می‌کنند (بوکمن^۳، ۲۰۱۳).

هاروی (۲۰۰۵) نئولیبرالیسم را با منطق درونی آزادی‌های کارآفرینانه با مهارت‌های خاص در چارچوب بازار آزاد رادیکال توصیف می‌کند و بورديو (۱۹۹۸) آن را برنامه تخریب روش‌مند نهادهای جمعی می‌داند که فرد را به جای مفهوم طبقه نشانند و هدف آن فردگرایی افراطی بود. فرد مدنظر نئولیبرالیسم عاملی آزاد، خودبسنده، متمیزه و بدون مسئولیت در قبال جمع است که خود منبع سرمایه و تولید ارزش افزوده است (ترکل و دیگران، ۲۰۱۶). این سوژه تنها مکلف به پی‌گیری منافع فردی از هر راه ممکن بوده و کارآفرین خودش است؛ تو برند و کالای خودت هستی و باید برای آن بازاریابی کنی! (ویتمر^۴، ۲۰۱۹).

برای بقا در منطق رقابتی بازار این سوژه باید ارزش افزوده خود را با سرمایه‌گذاری‌های مختلف افزایش دهد؛ یادگیری مادام‌العمر، تکثیر و تقویت مهارت‌های مختلف، بهبود و توسعه بی‌وقفه خود برای انطباق با انتظارات ناپایدار و متنوع بازار. از این جهت او پروژه خودش است، سرمایه‌گذار بیزنس شخصی که ذهن و بدن را برای مواجهه با رقابت شدید بازار ورزیده و آماده می‌کند (ترکل^۵ و دیگران، ۲۰۱۶). گاه همین سبک زندگی به بیزنس او بدل می‌شود و سلبریتی و بلاگر همین آمادگی جسمانی و ذهنی می‌شود. به این ترتیب او به انضباط‌گر خود برای انطباق لحظه‌ای با جریان‌ات جاری بدل می‌شود؛ هر لحظه آمادگی خود را پایش می‌کند، در آموختن

1 . Venugopal

2 . Turkle

3 . Bockman

4 . Whitmer

5 . Turkle

چیزهای جدید برای ارائه پیش‌دستی می‌کند تا برند فردی او از سوددهی نیفتد. بر این اساس، خودمختاری و مسئولیت‌پذیری به استراتژی‌های انضباطی نئولیبرالیسم تبدیل می‌شود؛ سوژه نئولیبرال به سوژه کارآفرین استحاله می‌یابد (شارف، ۲۰۱۶)؛ ترکل و دیگران، ۲۰۱۶).

تنها مسئولیت سوژه کارآفرین، توسعه برند شخصی و فروش آن است. او مسئولیت موفقیت یا شکست‌های خود را از پیش پذیرفته و در این مسیر هر اتفاقی بیفتد کسی جز خود او مقصر نیست و باید خود را سرزنش کند که به اندازه کافی تلاش نکرده است. در فرایند تقلیل مناسبات و مسئولیت وضع امور به فرد یا به‌طور خلاصه سیاست‌زدایی، ساختارهای موجود که عمل فردی را تعیین می‌کنند، از نقش خود تبرئه شده و به لحاظ تئوریک از نظرها پنهان نگه‌داشته می‌شوند (لش^۱، ۱۹۸۰).

این فرد است که باید خود را با مناسبات مستقر سازگار کند نه به عکس. از این جهت فرد «عاملیت» دارد و در محدوده بازار «آزاد» است، اما اختیاری درپرسش از نظم مستقر ندارد؛ می‌تواند هر رنگ مو، لباس، سبک زندگی، لذت، جنسیت و مذهبی را اختیار کند اما در محدوده الزامات بازار. حتی هر نوع تغییری – تا جایی که آزادی بازار را محدود نکند – آزاد است. ادبیات غنایی و جنایی انبوهی حول این تلقی از آزادی فردی و حقوق بشر تولید شده و با مفهوم «آزادی» جایگزین شده است. ساختار و در اینجا بازار نامرئی است و دیده نمی‌شود، گویی اصلاً وجود ندارد و در تحلیل دست‌نخورده به جا می‌ماند و چه بسا توجیه می‌شود؛ تنها افراد متمیزه و خودمختار وجود دارند و باید مورد مطالعه و مراقبت قرار گیرند. متولی این سوژه خوش‌باش، مثبت‌اندیش و کارآفرین، روان‌شناسی است.

از آنجا که همه چیز به فرد تقلیل داده شده، خود او معیار ارزیابی است و باید مهارت مواجهه با شرایط مختلف را داشته باشد. هر آنچه از مناسبات کلان صادر می‌شود خارج از اراده فرد است، اما او فقط می‌تواند خود را برای رفع اثر آن‌ها تجهیز کند. روان‌شناسی اقتضانات بازار و زمینه‌های سیاسی پدیده‌ها و بازتاب آن در انسان را نادیده می‌گیرد (گوردو-لوپز^۲، ۲۰۰۰) و با مراقبه، تسکین، تراسی و توانمندسازی در صدد رفع آثار آن از سوژه است و با این کار سوژه مطلوب این نظم را بازتولید می‌کند و چه بسا آن را تقویت می‌کند. با تقلیل پدیده‌های ساختاری به فرد، زمینه‌های اجتماعی و سیاسی پوشیده می‌شوند و هر روز بیش از پیش «پدیده‌های غیرروان‌شناختی به‌عنوان چیزی درک می‌شوند که از فرد نشأت می‌گیرند و در نتیجه راه‌حل طبیعی‌شان در روان فرد یا حتی بهتر از آن در مغز جستجو می‌شود» (ریبلینگ و بلکمن^۳، ۲۰۲۳: ۳۱). فرایندی که به تاسی از مفهوم زیست‌سیاست فوکو، روان‌شناسی‌سازی، زیست‌پزشکی‌سازی^۴، مشاوره‌زدگی^۵ و فرهنگ‌ترایی^۶ نامیده می‌شود.

این فرایند تا جایی پیش رفته که برخی کار مشاوران و تراپیست‌های خودمراقبه‌گر را «پرورش آسیب‌پذیری»^۷ در مراجعان می‌دانند (بوندی^۸، ۲۰۰۵). آن‌ها هر موقعیت زندگی را به موضوع درمان بدل می‌کنند و در فرد این توقع را پدید می‌آورند که او مرکز جهان

^۱ . Lasch

^۲ . Gordo-López

^۳ . Reibling & Bleckmann

^۴ . biomedicalization

^۵ . therapeutization

^۶ . Therapy culture به معنای تراسی به مثابه یک فرهنگ و منش که متفاوت از فرهنگ‌ترایی یا فرهنگ‌درمانی است که در گرایشی از جامعه‌شناسی مرسوم بوده و آن روی سکه روان‌شناسی‌سازی است. رویکردهای فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی که به اقتصادزدایی و سیاست‌زدایی از جامعه منجر می‌شود در این دسته قرار می‌گیرند.

^۷ . cultivation of vulnerability

^۸ . Bondi

است. سوژه معاصر به موجودی خودشیفته بدل شده که در روان‌شناسی کلاسیک نوعی اختلال جامعه‌ستیزانه بود، اما امروز به فضیلتی شخصی تعبیر شده و از آن بیماری‌زدایی می‌شود (لش، ۱۹۸۰).

هرآنچه روان‌شناسان برای مواجهه فردی با مشکلات در پیش گرفته‌اند، دولت‌ها برای مواجهه با مشکلات موجود به شهروندان توصیه کرده و خود را از وظایف‌شان معاف می‌کنند (ریبلینگ، ۲۰۲۳). از این جهت نتولیرالیسم راهکارهای روان‌شناختی برای مواجهه با مشکلات را تأیید و تقویت می‌کنند، زیرا بهترین ابزار حفظ نظم موجود برای آن‌هاست. سوژه، حیطة اصلی منازعات در حکمرانی نتولیرال بوده (بال^۱، ۲۰۱۵) و به همین دلیل روان‌شناسی در حکمرانی نتولیرال گسترش بسیار یافته است (والکردین^۲، ۲۰۲۱). بر این اساس می‌توان گفت پزشکی‌سازی و روان‌شناسی‌سازی تکنولوژی این نوع حکمرانی هستند (ن.ک چول‌هان، ۱۴۰۰).

مشکلات به پدیده‌های فردی جسمی (پزشکی) یا روانی (روان‌شناسی) تقلیل یافته و خود این حوزه‌ها نیز به دست بازار رها شده‌اند (مک‌گرگور^۳، ۲۰۱۳). نیاز به تحلیلی پیچیده نیست؛ وقتی سلامت و بیماری به دست بازار سپرده شود، حفظ چرخه سود موکول به روان‌شناسی‌سازی و پزشکی‌سازی و در واقع ابداع بیماری و اختلال است. به همین دلیل این دو حوزه فقط در راستای بازار توسعه پیدا می‌کنند و موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به انحصار خود در می‌آورند و دولت‌ها نیز از آن استقبال می‌کنند. این تنها یکی از خطرات رهاکردن علم به دست نیاز و الزام بازار است. برای مثال سلامت^۴، اعتیاد، خودکشی، کجروی، افسردگی و حتی زیبایی که مقولاتی با ابعاد متنوع اجتماعی هستند، به پدیده‌های زیستی و روانی تقلیل داده شده‌اند و حل معضلات آن‌ها به پزشک و روان‌شناس واگذار شده و نظم سیاسی و قدرت از پذیرش سهم خود از وضع موجود تن می‌زنند.

به این ترتیب می‌توان گفت منطق بازار درون‌مایه علوم را به نفع خود تقویت یا تضعیف می‌کند و رویکردهای هم‌راستا با خود را تأیید و تثبیت می‌کند. این دست نامرئی بازار که بازوی بلند قدرت برای توجیه وضع موجود است، علم را به خدمت خود درآورده و آن را از آرمان‌های حقیقت‌جویی تهی کرده است. این فرایند به علم محدود نمانده و هنر و ادبیات را نیز با خود همراه کرده است.

منطق بازار اقتضا می‌کند تنها تعداد محدودی از مواهب آن برخوردار شوند، اما باید به عنوان مشتری در این چرخه باقی بمانند تا این دستگاه به حیات خود ادامه دهد. برای نگاه داشتن افراد در این فرایند و تضمین امتداد آن، کلیشه موفقیت که متضمن تلاش بی‌وقفه و تکاپوی مداوم است طراحی می‌شود و از طریق فیلم، سریال، رمان و ادبیات در قالب مانترا به افراد تلقین می‌شود. به دلیل اقبال مخاطب به این محصولات بازار آن‌ها رونق بیشتر می‌گیرد و کل فضای ذهنی جامعه را تسخیر می‌کنند.

تلویزیون نیز از این بازار مستثنی نیست و بجز اینکه خود اساساً سازمانی تبلیغی است، به‌شدت به تبلیغات وابسته است که این مهم خود به مخاطب نیاز دارد و مخاطب برنامه‌هایی که ذهنیت او را تأیید می‌کنند می‌بیند. تلویزیون پیش‌قراول تبلیغ منطق بازار است که با سایر پیام‌های رسمی که از خود ساطع می‌کند سختی ندارد. پیام‌های دیگر هم تنها با تبعیت از منطق بازار شنیده می‌شود و از این جهت بسیاری از برنامه‌های به‌ظاهر مخالف بازار عملاً منطق آن را پذیرفته‌اند.

تحقیقات بسیاری اثر نظم جدید بر مناسبات اجتماعی ایران معاصر را بررسی کرده‌اند. *بادری و ذاکری* (۲۰۱۹) سازوکار اقتصادی و سیاسی غلبه نتولیرالیسم را توضیح داده‌اند. *حیدری* (۱۳۹۶) روان‌شناسی را تکنولوژی حکومت‌مندی ایران معاصر معرفی کرده و مختصات مفهومی آن را بسط داده است. *زائری و نریمانی* (۱۳۹۹) این وضعیت را با عرفان‌گرایی و برآمدن انسان اقتصادی در دوره

^۱. Ball

^۲. Walkerdine

^۳. McGregor

^۴. حتی تقلیل سلامت به امری پزشکی ابعاد اجتماعی بیماری‌ها را از نظر پنهان می‌کند (ن.ک اقتصادسیاسی سرطان در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران).

پساجنگ توضیح داده‌اند. کلاهی (۱۴۰۲) مناسبات موجود را با مفهوم پوپولیسم ذره‌گرا تبیین نموده و بیانی (۱۴۰۲) روان‌شناسی را ابزار اعمال قدرت نوین از طریق تسخیر قلمرو موضوعی سایر علوم ارزیابی کرده‌است. با وجود تفاوت نقطه تمرکز متون فوق همگی در همدستی روان‌شناسی (فردگرایی) با نئولیبرالیسم متفق‌اند. این مقاله از این جهت همفکر آنهاست، اما این پدیده را از رهگذر روان‌شناسی‌سازی که بخشی از فرایند کلان‌تر پرشکلی‌سازی است توضیح داده و با وجود غلبه این نگاه در عرصه‌های مختلف زندگی، شواهد این جریان را در رسانه‌هایی مانند تلویزیون و کتاب نشان می‌دهد. اگر معرفی نقطه تمایز تکلیف یک نوشته باشد، تأکید بر همدستی رویکرد فرهنگی با روان‌شناسی‌سازی و نفی راهکارهای فردی و فرهنگی در مواجهه با پدیده و توجه به بنیان اقتصادی سوژه و وضع موجود، خط فارق این نوشته با اقران خویش است.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق باید بتواند داده‌های مدنظر طرح مسأله را به دام تحلیل بیاندازد. از آنجا که مسأله تحقیق استخراج عناصر روان‌شناسی‌سازی در یک برنامه گفتگومحور تلویزیونی است، تحلیل گفتمان بیشترین تناسب را با آن دارد. تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه (۲۰۰۱) بواسطه حساسیت به مفاهیم نهفته و کشف مفصل‌بندی آن‌ها با هم برای شکل‌دهی به گفتمان، از قوت تحلیلی بیشتری برخوردار است. بر این اساس در این تحقیق، با استخراج گزاره‌ای مهم دلالت مرکزی آن‌ها به دست می‌آید و با توصیف مفصل‌بندی مفاهیم با هم، منظومه گفتمانی متبوع برنامه مورد بررسی به دست داده می‌شود.

برنامه کتاب‌باز، برنامه‌ای با هدف ترویج کتابخوانی است و مهمان‌های آن افرادی هستند که به واسطه خواندن یا نوشتن با کتاب سروکار دارند. البته از این هم فراتر رفته و گاه کتاب‌فروش‌ها یا کلکسیونرها نیز به برنامه دعوت شده‌اند. افراد اهل کتاب بعد از گفتگو که شبیه گپ و گفت همدلانه و بدون چالش است، اسم و رسم چند کتاب را به شکلی کوتاه و گذرا برای مطالعه به بینندگان معرفی می‌کنند.

در برخی از قسمت‌های این برنامه، یک کتاب معرفی و محتوا و رویکرد آن از زبان کارشناس-مهمان برنامه مرور و بازخوانی می‌شود. این قسمت‌ها همان برنامه‌های مورد تحلیل در این مقاله هستند. به گفته مجری در قسمت پایانی، ۶۵۰ قسمت از این برنامه در قالب پنج فصل طی ۵ سال تولید و پخش شده‌است. البته برخی از قسمت‌های برنامه دو ایتیم دارد که یکی خوانش شعر شاعران کلاسیک یا متن‌های کهن به‌علاوه گفتگو با یک مهمان دیگر است و با احتساب هر پاره به عنوان یک قسمت به ۶۵۰ مورد رسیده است. این امکان دور از انتظار نیست که برخی قسمت‌ها به هر دلیل پخش نشده باشد. قسمت‌های مورد تحلیل در اینجا از ۳۰ قسمت پایانی فصل پنجم انتخاب شده است. در این ۳۰ برنامه، معرفی تفصیلی کتاب تنها در ۶ قسمت ارائه شده که نمونه نهایی تحلیل در این مکتوب هستند. گزاره‌های کارشناس در معرفی کتاب که با توضیحات و تحشیه‌ها و خاطرات و ارجاع به کتاب‌های دیگر از سوی ایشان همراه است به عنوان متن مورد تحلیل انتخاب شده‌اند و به عنوان مرجع داده‌های این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با این اوصاف متن مورد تحلیل در این پژوهش، گفته‌های کارشناس و مجری از کتاب است نه محتوای خود کتاب‌ها.

اعتبار این روش در انسجام نظری و مفهومی است که در توصیف گفتمان پیش می‌نهد. فرایندی که طی آن با توصیف گزاره‌ها و دلالت‌های مفهومی آن‌ها، صورت‌بندی یک گفتمان معرفی می‌شود و عناصر سازنده و قلمرو معنایی آن تعیین می‌شود. در این روش، توصیف فربه ضامن بخشی از اعتبار تحلیل است اما بخش مهمی از اعتبار این تحلیل پس از ارائه به صاحب‌نظران تأمین می‌شود.

۴. تحلیل یافته‌ها

«کتاب‌باز» - به معنای افرادی که اهل کتاب بوده و علاقه افراطی به خواندن کتاب دارند - برنامه‌ای برای تبلیغ و ترویج کتابخوانی در بین مخاطبان است. لابلای صحبت‌ها پیش می‌آید که گاه فیلم، تئاتر، نقاشی یا موسیقی هم معرفی شده یا تنها از آن اسم برده شود. در مجموع نوعی کافه کتاب تلویزیونی است و خاص بخشی از طبقه متوسط است که صرف کتاب‌خواندن را فضیلت و ضامن فرهیختگی می‌دانند و معتقدند کتاب باید بخشی از سبک زندگی افراد باشد تا پازل ویژگی‌های لازم برای فرد موفق تکمیل شود؛ مصرف کتاب برای نمایش پایگاه اجتماعی و برند شخصی.

از این جهت نگاه حاکم بر این برنامه، تبلیغ کتاب را برای کتابخوان شدن لازم و خواندن کتاب برای فرهیختگی و متمدن شدن را ضروری ارزیابی می‌کند. رویکرد مسلط بر آن نیز حاکی از تلقی کتابخوانی به مثابه ژست لازم برای یک شهروند امروزی است. گویی کتابخوانی به خودی خود فضیلت و کتاب نخواندن نشانه بی‌تمدنی است. این تفکر با فرهنگ‌گرایی، فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی با ترویج یک مقوله را برای وقوع آن کافی می‌داند و زمینه‌های انضمامی آن را نادیده گرفته و با زمینه‌زدایی از کنش آن را به آگاهی تقلیل می‌دهد. کتاب‌باز خود حاصل چنین تفکری است که در تلویزیون به عنوان ارگانی تبلیغی و فرهنگ‌ساز، تولید و پخش می‌شود. شعار پرتکرار آن در برنامه‌های مختلف حال خوب است که باید خودمان آن را بسازیم.

همه قسمت‌های مورد بررسی، در روزهای پایانی سال ۱۳۹۹ و فروردین و اردیبهشت سال ۱۴۰۰ پخش شده‌اند. طی این دوره نزدیک به ۳۰ قسمت از این برنامه پخش شده و در ۶ قسمت آن‌ها ۶ کتاب معرفی شده‌است. در برنامه‌های معرفی کتاب، مجتبی شکوری، مهمان برنامه که از کارشناسان همکار تولید این برنامه هم هست، یک کتاب را به تفصیل معرفی می‌کند و با معرفی نویسنده، محتوای کتاب را به شکلی خلاصه به همراه مثال‌های انضمامی از زندگی روزمره یا بحث‌های رایج در جامعه توضیح می‌دهد. مجری برنامه - سروش صحت - گاه با برخی مثال‌ها در تأیید یا تکمیل صحبت‌های کارشناس وارد می‌شود و در مجموع گفتگوی انتقادی در نقد کتاب‌ها در نمی‌گیرد و بحث محدود به معرفی و تأیید همدیگر و کتاب‌هاست.

می‌توان محتوای کتاب‌ها را محتوای مدنظر برنامه محسوب کرد که از زبان کتاب‌های معرفی شده، بیان می‌شود. از این رو انتخاب این قسمت‌ها به عنوان متن مورد تحلیل، بخاطر نمایندگی کتاب‌ها از رویکرد مسلط بر برنامه است. سایر قسمت‌های این برنامه نیز بر همین اساس خارج از این چارچوب نیست و بخاطر اینکه گفتمان مسلط بر برنامه را نمایندگی می‌کردند از تحلیل کنار گذاشته شدند تا بر چارچوب اصلی این گفتمان که در معرفی تفصیلی کتاب وجود دارد تمرکز کنیم.

کتاب اول؛ شجاعت در برهوت

کتاب شجاعت در برهوت: جستجوی تعلق واقعی و شجاعت دستیابی به خود/تکایی^۱ نوشته برنه براون^۲ نویسنده امریکایی، فارغ‌التحصیل مددکاری و فلسفه از کتاب‌های خودیاری و موفقیت و از مجموعه پر فروش‌های نیویورک‌تایمز درباره چگونگی رسیدن به خودیاری است. گزاره‌های کارشناس و مجری در معرفی محتوای این کتاب در زیر آمده است.

گزاره‌های مهم برنامه:

- جهان برهوت است.

^۱ . Braving the Wilderness: The Quest for True Belonging and the Courage to Stand Alone

^۲ . Brené Brown

- با واقع‌بینی رهایی‌بخش، اندوه توأم با آسایش و رهایی از برزخ عدم‌قطعیت می‌توانیم برهوت را تحمل کنیم.
- امید عامل نجات ما در برهوت است؛ امید یعنی ناامیدی محض، از جنس عمل و واقع‌بینی.
- باهم‌بودگی برهوت را قابل تحمل می‌کند؛ امید سرودخوانی دسته‌جمعی است.
- هنر ابزار تحمل برهوت است. هنر نبود حقیقت ما را می‌کشت.
- برای تحمل برهوت باید زیبایی‌های آن را ببینیم. ما عادت کرده‌ایم زیبایی‌ها را نمی‌بینیم.
- باید استعاره خیال برای دیدن زیبایی‌ها را زنده کنیم.
- دیدن زیبایی حاصل دست و پنجه نرم کردن با رنج است.
- در برهوت اتصال داریم ولی تنهایییم. هم را نمی‌بینیم دید می‌زنیم.
- تنهایی در جهان مدرن وحشیانه است.
- دوستی یا مبتنی بر سود است، یا لذت یا فضیلت.
- اگر دوستی مبتنی بر فضیلت باشد سود و لذت هم در پی دارد.
- تاریخ را می‌توان امیدبخش روایت کرد.
- بعضی چیزها را با علم نمی‌شود سنجید، ایمان و آگاهی جهش‌یافته لازم داریم.
- نفرت نداشته باشیم.
- چیزی که به جهان می‌دهیم به سمت ما باز می‌گردد.
- اجازه بدهیم زخم‌ها مان بتابد تا برهوت زیبا شود.
- شناخت متقابل برهوت را بهتر می‌کند.
- حرف بزنییم، گفتن معجزه است.
- آسیب‌پذیریمان را بپذیریم.
- باید برهوت را قدر بدانیم سخت نیست.
- برهوت هست اما زیباست. از این پارادوکس لذت ببریم.
- تماس با هم ما را وسعت می‌دهد.
- واقع‌بینی رهایی‌بخش؛ برهوت را بپذیریم.

گزاره مرکزی: جهان برهوت است باید آن را بپذیریم و قابل تحمل کنیم.

در این برنامه برهوت تعریف نمی‌شود اما در خلال بحث، رنج‌های بودن به شکلی مبهم گواه بر برهوت بودن دنیا در نظر گرفته می‌شود. مقصود از این دنیا در کتاب، زندگی معاصر امریکاست که مناسبات اقتصادی و سیاسی کلان آن مختصات خاص خود را داراست، اما در برنامه به آن اشاره نمی‌شود. در این کتاب برهوت بودن جهان مفروض گرفته و حتی توجیه می‌شود اما به بنیادهای سازنده این برهوت و عناصر و مؤلفه‌های اقتصادی و سیاسی آن اشاره‌ای نمی‌شود. پرسش از برهوت نیست؛ توجیه برهوت و راهکارهای کنار آمدن با آن است.

ادعا این است اگر برهوت هست ما نمی‌توانیم آن را تغییر دهیم و باید آن را بپذیریم، اما برای تحمل رنج آن باید خودمان را تجهیز کنیم. راهکارها زیباشناختی کردن وضعیت، امیدبخشی، گفتگو با هم درباره رنج‌ها و به اشتراک گذاشتن آن و پذیرش زخم‌هاست؛ در واقع روش‌های فردی مواجهه با وضع موجود.

این کتاب از زمره کتاب‌هایی است که در پاسخ به نیاز آدمیان برای تحمل فشارهای نظم مستقر پدید آمده است. وضع موجود را به درستی به برهوت تشبیه می‌کند تا همدلی خواننده را برانگیزد، اما از چیستی این برهوت و مناسبات کلان آن پرسش نمی‌کند. این وضعیت نظمی بی‌ناظم است و فرد اختیاری برای تغییر آن ندارد و در مقابل آن بی‌پناه و رهاشده است و باید آن را بپذیرد. همین پذیرش بی‌قدرتی و بی‌اختیاری راهکارهای تجویزی کتاب را توجیه می‌کند؛ تنها می‌توان «خود» را از فشار طاقت‌فرسا و رنج‌های بی‌پایان آن مصون کرد. تسکین‌هایی برای تحمل آن یافت یا ساخت؛ این وضعیت را بپذیریم! همین ناامیدی از تغییر و پذیرش وضعیت به عنوان سرنوشت و تقدیر، بخشی از درمان است. اینجا تسکین و تسلی همان درمان مورد نظر است؛ همچون بیماری لاعلاج که مرفین درد او را کم می‌کند در واقع گیرنده‌های درد را خاموش می‌کند. این تسکین می‌تواند زیباشناسی رنج باشد یا تعبیر دلبخواهی و آرمانی آنچه هست بدون تنفر یا خشم، بلکه با معنادار کردن این رنج با خواندن کتاب‌هایی از این دست.

در این کتاب فرد به موجودی تنها و رهاشده در برهوتی بی‌انتها بدل می‌شود و مناسبات ساختاری، سیاست، اقتصاد و سازوکار آن‌ها پنهان می‌شوند تا فرد را به ناتوانی خود قانع کنند. به این ترتیب سیستم دست‌نخورده باقی می‌ماند و فرد باید خود را با آن تطبیق دهد اما چیزی از برهوت کم نشود.

کتاب دوم: پاداش

کتاب *پاداش: منطق پنهانی که انگیزه‌های ما را شکل می‌دهد*^۱ نوشته دن آریلی^۲ رفتارشناس اقتصادی و روان‌شناس امریکایی است. هدف اصلی کتاب افزایش کارایی افراد در جایگاه کاری است تا بهره‌وری آن‌ها افزایش یابد، اما این هدف در لفافه انسان‌گرایی و انگیزه‌بخشی پیچیده و تزیین می‌شود. گزاره‌های برنامه در معرفی کتاب در زیر آمده است.

گزاره‌های مهم برنامه:

- چرا کار می‌کنیم؟ برای پول، اما این تنها جواب نیست.
- انگیزه‌های انسان، منطقی جذاب و پیچیده دارد. دلایل ما حتی ممکن است متضاد باشد.
- در نهایت معنایی که در کار هست ما را به ادامه وامی‌دارد.
- چه چیزی انگیزه را نابود می‌کند. تکرار سیزیفیک و ملال‌آور.
- معنا خلق کنیم وقتی معنایی وجود ندارد. انسان منشأ معناست.
- با زیبایی‌شناسی می‌توانیم معنا خلق کنیم.
- با سخنرانی انگیزه ایجاد نمی‌شود، شرایط ساختاری مهم است.
- با نادیده گرفتن کار آدم‌ها و از بین بردن محصول کارشان انگیزه او نابود می‌شود.
- تقسیم کار باعث بیهودگی کار شده است.
- رابطه آدم‌ها با کارشان قطع شده؛ از خود بیگانه شده است.
- تقسیم کار را کم کنیم تا کارگر احساس مهم بودن بکند، شاد شود.
- تقسیم کار را کم کنیم تولید پایین می‌آید ولی رضایت بیشتر می‌شود.
- آدم‌ها را از کار راضی کنیم که بیشتر کار کنند. با آن‌ها حرف بزنیم.

^۱ . Payoff: The Hidden Logic That Shapes Our Motivations

^۲ . Dan Ariely

- وطن برای ما مثل هتل شده آن را مصرف می‌کنیم.
- ثبات و پیش‌بینی‌پذیری جامعه در تعلق مهم است.
- مهم‌ترین انگیزه ما برای زندگی مرگ است.
- ما فناپذیریم، کار ما می‌تواند یاد ما را زنده نگه دارد.
- خودآیینی و خودمختاری انگیزه را بالا می‌برد.
- در گوگل ۲۰ درصد وقت به پروژه شخصی افراد اختصاص داده می‌شود؛ جی‌میل و گوگل گلس حاصل همین است.
- با چماق کار پیش نمی‌رود؛ دست از نظارت و پدرسالاری در کار برداریم.
- ایده‌ها چون بدیهی پنداشته می‌شوند به سختی تغییر می‌کنند.
- مثلاً ایده آدام اسمیت چون به نهاد بدل شده تغییر نمی‌کند.

گزاره مرکزی: با روش‌های تشویقی افراد را به کار علاقمند کنیم تا بهره‌وری‌شان بالا برود.

نویسنده (با معرفی کارشناس برنامه) به عنوان رفتارشناس به بیگانگی از کار و اثر آن بر بهره‌وری کارکنان می‌پردازد، اما بدون اشاره به از خودبیگانگی به راه‌های افزایش رضایت از کار برای تولید بیشتر می‌پردازد. در واقع بیگانگی نه به مثابه وضعیت انسانی بلکه به عنوان مانع تولید مطرح می‌شود. بیگانگی از مهم‌ترین معضلات شرکت‌های تولیدی و خدماتی است که کشورهای صنعتی با آن مواجه هستند و زمینه‌های عینی دارد که نظم کلان عامل اصلی آن است. در این کتاب این مشکل شناسایی شده اما راه‌حل آن بدون ارجاع به مناسبات بنیادی به راه‌کارهای انگیزه‌بخشی و علاقمندسازی افراد به کار تقلیل داده می‌شود.

کارشناس در جایی اشاره می‌کند عوامل ساختاری مهم است، اما در ادامه اشاره‌ای به مختصات آن نمی‌کند و صحبت و درد دل مدیر با کارکنان، صحبت رودررو با آن‌ها، شناختن آن‌ها به اسم کوچک و دادن اختیار در برخی فرایندها را به عنوان راهکارهای رفع از خودبیگانگی معرفی می‌کند. مجری البته به قراردادهای موقت کار هم اشاره می‌کند و اینکه ثبات و پیش‌بینی‌پذیری عامل دلبستگی به کار است، اما به علل این وضعیت اشاره‌ای نمی‌کند و روش‌های کتاب را برای مواجهه با این وضعیت پیشنهاد می‌کند.

افزایش انگیزه با روش‌های فردی و روان‌شناختی برای بهره‌وری بیشتر هدف اصلی این کتاب است که مخاطب آن مدیران صنایع و کسب‌وکارها هستند. نویسنده (کارشناس) روش‌های مختلف مدیریت کار را مطرح می‌کند، اما راهکارهای او برای افزایش بهره‌وری است نه راحت انسان؛ برای بازتوانی نیروی کار به او اختیار ظاهری بدهیم، نظارت غیرمستقیم و نامحسوس شود، به او فرصت بدهیم خلاقیت بورزد و کار را تعمیق کند. در نهایت راه‌کارهای رفع از خودبیگانگی نیز فردی است که دیده‌شدن، معنادار کردن کارکردن، مشارکت خلاقیت فرد در کار و کاهش ملال تکرار از این جمله است.

کتاب سوم: دوباره فکر کن

کتاب دوباره فکر کن: قدرت دانستن چیزهایی که نمی‌دانیم^۱ از آدام گرت^۲ روانشناس سازمانی است و در دسته کسب‌وکار و موفقیت و خودیاری قرار می‌گیرد. کتاب درباره سازگاری شخصیت با تنوعات زندگی بدون پرداختن به بنیادهای اجتماعی آن است، اما معرفی آن در این برنامه در خدمت معرفی شخصیت کارآفرین موفق است.

گزاره‌های مهم برنامه:

^۱ . Think Again: The Power of Knowing What You Don't Know

^۲ . Adam Grant

- دائماً در افکارمان تجدیدنظر کنیم.
- نظرم‌ان را تغییر نمی‌دهیم چون می‌ترسیم جهان پیش‌بینی‌ناپذیر بشود.
- به افکار خودمان عادت می‌کنم و تغییر آن سخت است.
- آسودگی حاصل از یقین را به اضطراب حاصل از تردید ترجیح می‌دهیم.
- دائم نظراتمان را تغییر بدهیم، دوباره فکر کنیم تا جلوی هزینه‌ها را بگیریم.
- دانش در حال رشد است باید به‌روز شویم و ایده‌های قبلی را به چالش بکشیم.
- آدم‌های کم‌اطلاع اعتماد به نفس بالایی دارند، تعصب دارند.
- آدم‌های باهوش کمتر در عقاید خود تجدیدنظر می‌کنند؛ نفرین هوش.
- فروتن باشیم، همه حقیقت نزد من نیست.
- اشتباه کنیم و از آن لذت ببریم.
- یاد بگیر، تغییر کن، آدم جدید بین.
- باید گفتگو کنیم، رشد اندیشه نیازمند گفتگوست.
- اگر در نظام آموزش یاد بدهیم که ما نمی‌دانیم و تعصب نداشته باشیم، خیلی از مشکلات ما حل می‌شود.
- زندگی کن، اشتباه کن، درس بگیر و دوباره این‌ها را تکرار کن.
- درون ما دیکتاتور هست که ایده‌های خلاف باور ما را به نفع خودمان تفسیر می‌کند.
- باید دیکتاتور درون را شناسایی کنیم، اما ریشه آن به آمیگدال مغز برمی‌گردد.
- چطور می‌شود اخلاق بهتری داشت، صادق بود، جامعه بهتر داشت.
- این ارزش‌ها باید با چرخه خردورزی اشتباه کن، درس بگیر تکرار شود.
- جایی که گفتگو کنیم این فرایند رشد می‌کند.
- چون گفتگو نمی‌کنیم نمی‌توانیم اندیشه تولید کنیم.
- ریشه اصلی فقدان گفتگو بخاطر این است که فکر می‌کنیم حقیقت نزد ماست.
- مهمترین کار ما احیای گفتگوست.
- اگر تعصب در جامعه ما کم شود به پیشرفت می‌رسیم.

گزاره مرکزی: تغییر فکر برای انعطاف و سازگاری شخصیت با تحولات جاری برای پیشرفت ضروری است.

دوباره فکر کن با مثال‌هایی که مواضع متضادی را تأیید می‌کند، تغییر در ایستارهای فکری را برای موفقیت ضروری معرفی می‌کند زیرا تغییر فکر به تحول در عمل منجر می‌شود و موانع ذهنی سازگاری با شتاب تحولات را مرتفع می‌کند. سیالیت بازار باید در فرد نیز حلول کند تا چرخه سود برقرار بماند. سوژه‌هایی که ارزش‌های شخصی یا قومی و ملی را به انطباق با ارزش‌های نوین ترجیح می‌دهند، انسان‌هایی متعصب هستند که نوعی عقب‌ماندگی شخصیتی محسوب می‌شود.

توصیه اصلی کتاب، ماندن در مدار تطابق با تغییراتی است که منشأ آن‌ها مشخص نیست، فرد توان مقاومت در برابر آن‌ها را ندارد لذا به پرسش کشیده نمی‌شوند و تنها چاره موجود همراهی با این جریان‌هاست. منشأ تغییرات و سمت‌وسو و انگیزه‌های پشت آن مفروض گرفته می‌شود و نیاندیشیده به‌جا می‌ماند، اما انطباق با آن برای موفقیت و سلامت اجتماعی لازم معرفی می‌شود. فتح ذهنی

عاملان هدف اصلی این مکانیسم است تا آن‌ها را به سوی هدفی نامشخص اما نیرومند هدایت کند. این تلقی با نادیدن زمینه‌های انضمامی عمل، افراد را عاملان منظومه‌ها ذهنی خود می‌داند که با تسخیر ذهن می‌توان آن‌ها را به هر کاری واداشت. بر اساس همین تلقی از عامل است که گفتگو را مسیر پیشرفت فرد و جامعه معرفی می‌کند. گفتگو در این رویکرد فعالیتی بریده از زمینه انضمامی و نوعی مکانیسم معجزه‌گون برای حل مسائل و یادگیری و فهم است. تعبیری رمانتیک از رابطه انسان‌ها بدون توجه به تعارض منافع و زمینه‌های مادی فهم که تفاوت انسان‌ها و جوامع را توضیح می‌دهد. زمینه‌زدایی و نادیده‌انگاری بنیان‌های مادی زندگی اجتماعی که مقصد نهایی آن تقلیل پدیده‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به فرد منفک از زندگی است. چنین تعبیری از مناسبات انسانی به راهکارهایی مانند گفتگو منجر می‌شود که بدون توجه به تضادهای واقعی و طبقاتی، به روان‌شناسی مثبت‌نگر و دوره‌های انگیزشی در قالب کتاب‌هایی از این دست است که تنها هدف آن‌ها بازار است و طرح مسأله^۱ در آن‌ها دیده نمی‌شود، راه می‌برد.

کتاب چهارم: حرف‌هایی با دخترم درباره اقتصاد^۲

کتاب حرف‌هایی با دخترم درباره اقتصاد؛ تاریخ مختصر سرمایه‌داری نوشته یانیس واروفاکیس^۳ کتاب پرفروش سان‌دی تایمز اقتصاددان و وزیر اقتصاد سابق یونان است. کتاب با مرور تاریخچه سرمایه‌داری به نابرابری‌ها و مصائب زندگی جدید می‌پردازد. خوانش مجری و مهمان برنامه از این کتاب در گزاره‌های زیر آمده است.

گزاره‌های مهم برنامه:

- تفاوت جغرافیایی مازاد را پدید آورد و ربطی به هوش نداشت که جایی امپراتوری پدید آمد یا نیامد.
- ارزش تجربی و ارزش مبادله‌ای پدید آمد.
- ارزش تجربی همان کار خوب و مفید است.
- برای این ارزش پول پردازیم می‌شود ارزش مبادله‌ای.
- قیمت همه چیز را می‌دانیم ارزش هیچ چیز را نمی‌دانیم.
- شازده کوچولو هم به کمی کردن ارزش‌ها اعتراض می‌کند.
- آخرین سنگرهای معنا را از بین می‌برد.
- پدر و مادر با ارزش مبادله‌ای سنجیده می‌شوند.
- در این عصر عشق به کالا بدل شده است.
- در جامعه قدیم بیماری بوده و فقر و تبعیض، اما در جامعه مدرن اینها نیست.
- جامعه ما جامعه بازار است و منطق مبادله بر همه چیز غلبه پیدا کرده.
- تصویر آینده البته اینقدر تیره نیست.
- از دل همین تغییرات ارزش‌های انسانی دیگر پدید می‌آید.
- در همان بازار یک نفر می‌آید که من ارزان‌تر می‌فروشم یا پولی نمی‌گیرم.

^۱ . problematic

^۲ . Talking to My Daughter about the Economy: A Brief History of Capitalism

^۳ . Yanis Varoufakis

- سود بیشتر موتور حرکت این ماشین است.
 - جهان کهن مرده و ارزش‌های جدید متولد نشده ما در برزخ هستیم و این ریشه رنج‌های ساکنان زمین است.
 - مصرف‌گرایی موتور انقلاب صنعتی را می‌چرخاند.
 - بدهکار کردن آدمها برای زنجیر کردن ما به این نظام اقتصادی.
 - مینیمالیست بشویم.
 - این بحث‌ها به حال خوب ربط دارد.
 - بانک‌ها آینده افراد را گرو می‌گیرند.
 - قیمت نیروی کار دائم کاهش می‌یابد اما کار هم نیست.
 - سرمایه‌داری بیش از حد پیشروی می‌کند.
 - ما برده ماشین‌ها شده‌ایم.
 - هوش مصنوعی، ماشین‌لرنینگ جای انسان را می‌گیرند.
 - حرص را کنترل کنیم، مهار ما را در دست گرفته.
 - سرمایه‌داری طبیعت را تخریب می‌کند.
 - اقتصاد نباید به بانک‌ها و صاحبان ثروت سپرده شود.
 - تغییرات ساختاری که با آگاهی شروع می‌شود راه‌حل وضعیت است.
 - حرص، آز و طمع را محدود کنیم.
 - یک تصمیم برای دوری از ماشینیسم بگیریم.
 - همین الان تصمیم بگیریم و به آن عمل کنیم.
- گزاره مرکزی: سرمایه‌داری عامل وضع موجود است و برای رفع آسیب‌های آن باید حرص را کم کنیم.
- کتاب واروفاکیس نقد مناسبات سرمایه‌داری است، اما با معرفی عوامل این برنامه به کتابی انگیزشی برای بازاندیشی در زندگی شخصی و راه‌حل‌های غیرواقعی مانند دوری از ماشینیسم و کنترل حرص و آز تقلیل یافته است. بحث اصلی کتاب- که نقد نظام مسلط به‌عنوان عامل وضعیت نابرابر و از خودبیگانگی مدرن است که وجهی ساختاری دارد- به آسیب‌شناسی موضعی به منظور مقابله فردی برای دستیابی به حال خوب تعبیر می‌شود.
- محتوای این کتاب در راستای سیاست اصلی این برنامه نیست و به همین دلیل مجری و کارشناس در تلاش برای سازگار کردن آن با مشی اصلاح سبک‌زندگی فردی پیام اصلی کتاب را ناگفته باقی می‌گذارند. کتاب اگرچه به سنتی نظری و تاریخی متصل است که مباحث آن‌را معنادار می‌کند، اما در این برنامه بحثی از این پیشینه و مبانی آن به میان نمی‌آید. با وجود مایه‌های کتاب در نقد ساختاری وضع موجود و راهکارهای مواجهه با آن، مجری و کارشناس به این وجه از کتاب اشاره‌ای نمی‌کنند. توصیه ایشان محدود به اقدامات فردی مانند زندگی مینیمال و کاستن از حرص و طمع در افراد است، اما اشاره‌ای به ضرورت‌های فرافردی اخلاق مستقر به میان نمی‌آید. در اینجا نیز باید فرد خود با وضعیت مقابله کرده و با تجهیز به اخلاق، آسیب‌ها را کنترل کند.

کتاب پنجم: استعداد نافرمانی

کتاب *استعداد نافرمانی: شکستن قوانین کار و زندگی*^۱ نوشته خانم فرانسسکا جینو^۲ رفتارشناس و مدرس کسب‌وکار است. منظور از نافرمانی شورش علیه قیدوبندهای موجود در ذهن انسان است که نوعی موضع خلاف آمد عادت کنترل شده و در راستای خلاقیت و نوآوری برای گسترش مرزهای کارآفرینی است.

گزاره‌های مهم برنامه:

- نافرمان‌ها پرسشگر و کنجکاو و مفید برای جامعه هستند.
- نافرمان باعث می‌شود چارچوب‌ها باز شوند.
- نوآوری، کنجکاوی، وسعت دید، تنوع و راستین بودن مؤلفه‌های نافرمانی است.
- خلاقیت فکر کردن بیرون جعبه است اما افراد کمی جسارت دارند جعبه را ترک کنند.
- روندها درون جعبه غیرقابل تغییر به نظر می‌رسد.
- باید فرزندان پرسشگر تربیت کنیم تا نوآوری یاد بگیرند.
- نوآوری با ترک چارچوب اتفاق می‌افتد.
- سالی سه چهار بار بپرسیم دارم چکار می‌کنم؟
- کنجکاوی عامل نوآوری و نافرمانی است.
- مشکلات جوامع با این کنجکاوی و نوآوری حل می‌شود.
- پرسیدن مهم‌تر از پاسخ دادن است؛ نظام آموزشی ما برعکس است.
- آدم‌های پی‌گیر مناسب کار هستند.
- در شرکت پیکسار شعار این است بزرگ‌ترین نگرانی ما این است که کارمندان شیوه رایج را به چالش نکشند.
- نافرمان‌ها دید وسیعی دارند. دید تونلی فقط انتهای تونل را می‌بیند، نافرمان اطراف را هم نگاه می‌کند.
- نافرمان مدام در حال یادگیری چیزهای مختلفی است. نافرمان چارچوب بدیهی را زیر سؤال می‌برد.
- آدم بهتره در زمانه ما وسیع باشد. بجای عمق گستره رو ببینیم.
- کلیشه‌ها ذهن ما را محدود می‌کند. برچسب به افراد خود تحقق‌بخش است [پیش‌فرض‌ها مانع نوآوری است].
- نافرمان‌ها جرأت دارند خودشان باشند، راستین باشند.
- به شکست‌ها اعتراف کنیم. از اشتباه‌هراسی‌ها شویم.
- با خود آسیب‌پذیر مواجهه شویم و بپذیریم تا موانع عمل کم شود.
- اندوه و اضطراب بخشی از زندگی است، برای رشد لازم هستند.
- روی نقاط قوت افراد تمرکز کنیم و تشویق کنیم.
- با پرورش استعداد نافرمانی رضایت از کار زیاد می‌شود.
- با طنز و شوخ‌طبعی می‌توان دلبستگی را بیشتر کرد.

^۱ . Rebel Talent: Why it Pays to Break the Rules at Work and in Life

^۲ . Francesca Gino

- با کارمندان حرف بزیم و ارتباط بگیریم تا بهره‌وری‌شان بالا برود.
 - با دیده‌شدن افراد می‌توان دل‌بستگی‌شان را بیشتر کرد.
 - رئیس لازم نیست، افراد را آزاد بگذاریم با خلاقیت‌شان کار کنند.
 - اختیار به کارگران بدهیم تا کار را از خود بدانند.
 - دزدان دریایی هم دموکراسی دارند، همه برابرنند (نافرمانی غریزه دزدان دریایی است).
 - در نافرمانی کار خودمان را بکنیم، به محیط و واکنش‌اش بی‌توجه باشیم.
 - در نافرمانی همه چیز را یاد بگیریم، بعد فراموش کنیم، راه خودمان را برویم.
 - در نافرمانی باید اول یاد بگیریم بعد دور بریزیم.
 - در نافرمانی عمل‌گرا باشیم، فقط نقد و ایرادگیری نباشد.
- گزاره مرکزی: برای موفقیت باید نوآوری کنیم و نوآوری موکول به نافرمانی از چارچوب‌های مستقر است.
- هدف اصلی کتاب آموختن عبور از شیوه‌های رایج کار و زندگی برای ابداع روش‌های تازه و نوآوری‌های جدید است. در واقع کتابی برای استارت‌آپ‌ها و خوداشتغالی که در شرکت‌های مبتنی بر نوآوری نیز کاربرد دارد. نافرمانی مدنظر کتاب به‌هم ریختن قواعد بازی نیست، زیرا در آن صورت هدف نافرمانی که نوآوری برای گسترش مرزهای کسب‌وکار است منتفی خواهد شد.
- آموزه‌های این کتاب برای استارت‌آپ‌ها نوشته شده که شکل جدید کار در سرمایه‌داری معاصر است که سوژه انعطاف‌پذیر و خلاق در کار برای توسعه فناوری و ابداعات سودآور ضروری است. توصیف و تجویز اوصاف انسان کارآفرین برای تضمین چرخه سود در جریان تغییرات سرسام‌آور هدف اصلی کتاب است؛ انسانی که دل‌بسته به کار باشد و مرزهای آن را توسعه دهد، دچار بیگانگی نشود و به یک وضعیت خو نگیرد، از شکست نهراسد و بالاخره راهی بیابد. برای تربیت این نیروی کار باید او را تشویق کنیم که استعدادهایش را پیدا کند تا کار را در ابعاد مختلف توسعه ببخشد. با این اوصاف نافرمانی برای گسترش مرزهای بازار است نه پرسش از این نظم یا رهایی از آن.

کتاب ششم: کی بود، کی بود؟

کتاب کی بود، کی بود؟ چرا و چگونه اشتباهاتمان را توجیه می‌کنیم^۱ نوشته کارل تاوریس و الیوت آرنسون^۲ که هر دو روان‌شناس هستند، مسیرهای ذهنی تغییر منش برای تبدیل شدن به شهروند روزآمد است که نقاط کور ذهنیت خود را می‌شناسد و با عبور از آن‌ها خود را به شخصیت موفق تبدیل می‌کند.

گزاره‌های مرکزی این برنامه:

- برخی دلایل واقعی اثرات دائمی کاذب بجا می‌گذارد و تبدیل به فرهنگ تقلیل‌داده می‌شود.
- [به توجیه کار غلط می‌پردازیم و حقیقت را قبول نمی‌کنیم].
- [اثرات جمع رفتار ما را تعیین می‌کند ما تقلید ناآگاهانه می‌کنیم].
- پذیرش حقیقت جدید با مقاومت ما روبرو می‌شود.

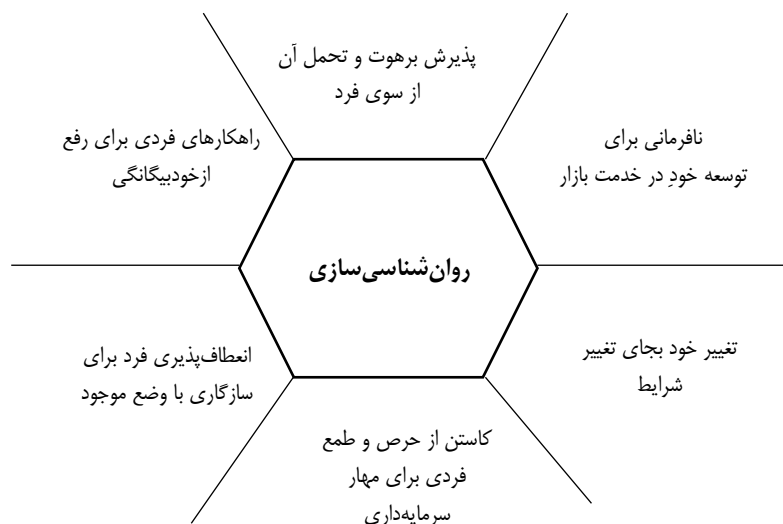
^۱ . Mistakes Were Made (but Not by Me)

^۲ . Carol Tavris & Elliot Aronson

- همه ما نسبت به فهمیدن مقاومت داریم و توجیه می‌کنیم.
 - غالب ما واقعیت تازه را نمی‌بینیم.
 - ناهماهنگی ذهنی عامل این وضعیت است و باعث توجیه می‌شود.
 - چون پذیرش واقعیت جدید کل سامانه ذهنی ما را زیر سؤال می‌برد.
 - [پذیرش اینکه در اشتباه بوده‌ایم دشوار است].
 - [آدم‌ها] فرقه‌ها اشتباهاتشان را توجیه می‌کنند تا اعتقاداتشان زیر سؤال نرود.
 - چون زمین خورده‌ایم برای اینکه ضایع نشویم تا انتها سینه‌خیز می‌رویم [که یعنی خودخواسته بود و اشتباه نبوده].
 - باورها هویت ما شده، نمی‌خواهیم اشتباه‌بودنشان را قبول کنیم.
 - چون برای یک کار هزینه داده‌ایم پذیرش اشتباه بودن آن دشوار است.
 - واقعیت را تحریف می‌کنیم تا با عمل ما منطبق شود.
 - ما نقاط کور ذهنی داریم که اینجا آگاهی از نقاط کور مهم است.
 - اعتراف نزد کشیش هم با بخشش ناهماهنگی ذهنی از بین می‌رود. اما مسئولیت آن را نمی‌پذیریم فقط پاک می‌شود.
 - ما برای صرفه‌جویی در انرژی مغزی با کلیشه‌ها همه چیز را دسته‌بندی می‌کنیم.
 - سوگیری شناختی مانع یادگیری و حقیقت‌جویی است.
 - کی بود؟ کی بود؟ من بودم، این را بپذیریم.
- گزاره مرکزی: موانع ذهنی پذیرش تغییر را برطرف کنیم.
- در معرفی این کتاب باید اشتباهات خود را بپذیریم، اما معیار اشتباه بودن افکار و اعمال ما مشخص نیست. به نظر می‌رسد مقصود از پذیرش اشتباه به معنای همراهی با افکار و ایده‌های جدید است که برای همراهی با آن‌ها باید ایستارهای خود را روزآمد کنیم.
- در این رویکرد بنیان‌های عینی و مادی فهم و ذهن نادیده گرفته می‌شود و آگاهی به فرایندی ارادی تعبیر می‌شود که باید افراد با ذهن‌آگاهی نقاط کور مغز و حافظه‌شان را بشناسند و خطای خود را اصلاح کنند. منظور از اصلاح آگاهی پذیرش احتمال خطا و باز بودن به روی اندیشه‌های تازه است تا در مقابل نوآوری چه ذهنی باشد چه تکنولوژیک مقاومت نکنند.
- گرچه مضمون کتاب توجه به کژتابی‌های ذهنی و رفع سوگیری‌های شناختی است، اما انعطاف‌پذیری فردی هدف نهایی آن است. مثال‌های کارشناس برنامه نیز پذیرش تغییر را فضیلتی خودبسندۀ معرفی می‌کند که ضامن توسعه شخصی است. در این تلقی به‌جای نقد مناسبات موجود و شرایط مستقر باید آن‌ها را بپذیریم. در این تلقی محل نزاع باز هم فرد است، زیرا مناسبات بیرون از فرد نباید تغییر کند یا قابل تغییر نیست یا فرد توان آن را ندارد، بنابراین چاره‌نهایی در این وضعیت تغییر فردی در سطح ذهنی است.
- این رویکرد تغییر را امری ذهنی می‌داند و زمینه‌های انضمامی تغییر را نادیده می‌گیرد. چه بسا زمینه‌های عینی ایستارهای ذهنی یعنی نظم جاری را موجه و غیرقابل پرسش می‌داند. اساساً اگر تغییر ضرورت دارد این فرد است که باید تغییر کند و تغییر شرایط اصلاً جزئی از گزینه‌ها نیست.

۵. تحلیل گفتمان

اگر مفاهیم بنیادی گزاره‌های مرکزی کتاب‌های معرفی شده را کنار هم بگذاریم منظومه‌ای را شکل می‌دهند که عناصر صورت‌بندی گفتمانی را آشکار می‌کند. با کشف نقطه پیوند^۱ گزاره‌ها می‌توان فرایند مفصل‌بندی آن‌ها برای تثبیت گفتمان را نشان داد. براساس تحلیل گزاره‌ها و دلالت‌های آن‌ها، فرد نقطه‌ایست که موضوعات مختلف در آن اشتراک دارند و ادعاهای متفاوت آن‌ها براساس این مفهوم توجیه می‌شود. بر این اساس می‌توان نقطه پیوند این گفتمان را فردگرایی معرفی کرد.



نمودار ۱: نسبت گزاره‌های مرکزی با نقطه پیوند گفتمان در جهت روان‌شناسی سازی

کتاب‌های انتخاب شده با وجود تفاوت‌های مهم در موضوعات، یک نقطه اشتراک دارند که آن‌ها را در خدمت یک گفتمان نشان می‌دهد. اگر نقطه اشتراک کتاب‌ها را محور تحلیل قرار دهیم، توجه و تأکید بر فرد و تیرئه سیستم و نظم کلان، محور مشترک همه کتاب‌ها یا روایت کارشناس از این کتاب‌هاست. گویی مناسبات کلان که اعمال انسان را تعیین می‌کند یا غیرقابل تغییر فرض می‌شود یا مشروع و موجه که نیازی به تغییر ندارد. در هر دو حال فرد موجودی بریده از جمع و تنها در برهوت معرفی می‌شود که یا باید با جریان مسلط همراه شود و با دوباره فکر کردن خود را با شرایط منطبق کند یا به ناتوانی خود اذعان کند و تقدیر خود را بپذیرد و برای بقا تسکین و تسلاهی ذهنی بیابد.

وجه مشترک همه این راهکارها، تأکید بر ذهنیت فرد برای سازگاری است و به این ترتیب از انسان، آگاهی و عمل، ساختارزدایی می‌شود. بنابراین فرد باید تمام تلاش خود را برای همراهی با نظم موجود به کار بگیرد و با کسب مهارت‌های متنوع ابعاد وجودی خود را برای تلاطم‌های بیرونی گسترش دهد. مناسباتی که این فرد جدید را اقتضا می‌کند، بیرون از تحلیل گذاشته می‌شود، اما در

^۱ . nodal point

کتاب‌های مختلف آشکار یا پنهان نظم بازار چیزی است که فرد باید خود را در نسبت با آن تعریف کند و تغییر دهد؛ انسان مطیع اراده بازار.

این تأکید بر فرد و آگاهی او برای رشد یا تطابق با وضعیت، دانشی پدید آورده که مکانیسم‌های ذهنی اساسی‌ترین ابزار کنترل آن است. با تمرکز بر فرد و نادیده گرفتن ساختارهای کلان، همه چیز حول محور فرد چیده شده و «خود» به پروژه‌ای برای همگان تبدیل شده است. این تقلیل امر اجتماعی به فردی و با مفصل‌بندی مفاهیم مربوط به مراقبه و تربیت شخصی، گفتمان «روان‌شناسی‌سازی» را پدید آورده است. روان‌شناسی‌سازی در خدمت نظم مستقری است که فرد هم به مثابه کارآفرین و هم مشتری واحد تحلیل اوست. به این ترتیب چنین انسانی برای حفظ چرخه سود تربیت شده و انسان هموساپینس به هم‌آنتروپورنر تحویل می‌یابد. این انسان اختراع بازار است و خارج از این مدار موجودی ناقص و دارای اختلال محسوب می‌شود که باید درمان و -در صورت درمان‌ناپذیری- مجازات شود. پیامدهای این وضعیت برای اخلاقیات، بدن و جامعه می‌تواند موضوع تحقیقات مستقل باشد.^۱

۶. نتیجه

هدف برنامه کتاب‌باز، ترویج کتابخوانی است. همین ایده که با تبلیغ کتاب می‌توان افراد را کتابخوان کرد و با کتابخوان کردن افراد می‌توان تغییری در شرایط پدید آورد، ایده این برنامه را توضیح می‌دهد. در مجموع کارشناسان برنامه فکر می‌کنند که با آگاهی‌بخشی به افراد و تبدیل آن‌ها به سوژه‌های مدرن می‌توان شرایط ساختاری جامعه را تغییر داد و به سوی پیشرفت و حل مشکلات کلان حرکت کرد. این دیدگاه که در میان بسیاری از اهالی آکادمی نیز رایج است، زمینه‌های عینی بر ساخت شرایط موجود و سازوکارهای تغییر را نمی‌بیند و لذا در سطح فرد و ذهن باقی می‌ماند؛ غایت این دیدگاه فرهنگ‌سازی است که این برنامه گامی در راستای آن بوده است. اینکه آگاهی خود فرآورده‌ای اجتماعی است از این منظر غایب است و لذا ذهنیت فرد مرجع تغییر محسوب می‌شود. هستی‌شناسی این رویکرد، تعبیری فردگرایانه است که جامعه را حاصل جمع جبری افراد می‌داند و در اقتصاد و روان‌شناسی مسلط، حاکم است. بی‌دلیل نیست که هر دو گرایش در وضع موجود نقش پررنگی دارند؛ هر دو انسان بازار را تبلیغ می‌کنند. برنامه کتاب‌باز در این راستا و با تأکید بر خود سازگار با شرایط برای حال خوب ساخته شده است. کارشناس معرفی کتاب نیز در نقش تراپیست ظاهر می‌شود حتی لحن صحبت کارشناس و مجری همدلانه و مشاوره‌آبانه است. دکور برنامه نیز شبیه اتاق مشاوره است و در حین اجرای برنامه یک موسیقی ملایم در پس‌زمینه پخش می‌شود که شباهت بسیاری به اتاق‌های ماساژ، تراپی و دوره‌های ذهن‌آگاهی^۲ و تسلاجویی دارد.

این برنامه بخشی از جریانی بزرگتر در این راستاست که در سیاست و اقتصاد مسلط شده و به نام نئولیبرالیسم معروف شده است، اما محدود به این برنامه یا تلویزیون نیست و در ادبیات، سینما، دانشگاه، مدرسه، ازدواج، خانواده، دین و روابط انسانی نیز قابل مشاهده است. مطالعه سازوکارها و پیامدهای این جریان، برنامه پژوهشی بارآوری برای علوم اجتماعی ایران و فهم وضع موجود و چشم‌انداز احتمالی خواهد بود.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل، در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

^۱. تحقیقات بسیاری درباره مصرف و بدن از منظر جامعه‌شناسی فرهنگی انجام شده است اما بدون توجه به زمینه‌های اقتصادی سیاسی آن، عملاً وضع موجود را بازتولید کرده یا در بهترین حالت توصیفی خنثی به دست داده‌اند.

^۲. mindfulness

منابع

- اباذری، یوسف و ذاکری، آرمان (۲۰۱۹). سه دهه همنشینی نئولیبرالیسم و دین در ایران. *نقد اقتصاد سیاسی*.
<https://pecritique.com/2019/02/24>
- بیانی، فرهاد (۱۴۰۲). دانش همیشه قدرت نیست. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۳۰(۱). ص ۷۵-۵۱. [10.22059/JSR.2023.348736.1797](https://doi.org/10.22059/JSR.2023.348736.1797)
- چول‌هان، بیونگ (۱۴۰۱). *روان-سیاست: نئولیبرالیسم و فناوری‌های جدید قدرت*. ترجمه مصطفی انصافی. تهران: لوگوس.
- حیدری، آرش (۱۳۹۶). روان‌شناسی، حکومت‌مندی و نئولیبرالیسم. *مطالعات جامعه‌شناختی* ۲۴(۱). ص ۳۹-۹.
- زائری، قاسم و نریمانی، آرش (۱۳۹۹). نفی امر اجتماعی: برآمدن گفتارهای فردگرایانه در ایران پساجنگ. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۷(۱). ص ۹-۴۹. [10.22059/jsr.2020.78503](https://doi.org/10.22059/jsr.2020.78503)
- فوکو، میشل (۱۳۹۸). *تاریخ جنون*. ترجمه فاطمه ولیانی. تهران: هرمس.
- کلاهی، محمدرضا (۱۴۰۲). برآمدن گفتمان ذره‌گرا در جمهوری سوم. *مطالعات جامعه‌شناختی* ۳۰(۱). ص ۵۰-۲۷. [10.22059/JSR.2023.354710.1838](https://doi.org/10.22059/JSR.2023.354710.1838)
- Reibling, N; Bleckmann, L (2023). The Biopsychosocial Welfare State: A Theoretical Framework. In *Toward a Biopsychosocial Welfare State? How medicine and Psychology Transform Social Policy* (Eds Reibling, N; Ariaans, M.) Switzerland: Palgrave Macmillan
- Abazari, Yusuf; Zakari, Arman (2019) Three decades of coexistence of neoliberalism and religion in Iran. *Criticism of political economy*. <https://pecritique.com/2019/02/24> (In Persian).
- Ball, S.J. (2015). Subjectivity as a site of struggle: refusing neoliberalism?, *British Journal of Sociology of Education*, <https://doi.org/10.1080/01425692.2015.1044072>
- Bayani, Farhad (1402). Knowledge is not always Power; the Sociological Explanation of the Dominant of Psychological Perspective in Iran. *Sociological Studies*, 30(1). pp. 51-75. [10.22059/JSR.2023.348736.1797](https://doi.org/10.22059/JSR.2023.348736.1797). (In Persian).
- Bockman, J. (2013). Neoliberalism. *Contexts*, 12(3), 14-15. <https://doi.org/10.1177/1536504213499873>
- Bondi, L. (2005). Working the Spaces of Neoliberal Subjectivity: Psychotherapeutic Technologies, Professionalisation and Counselling. *Antipode*, 37(3), 497-514. <https://doi.org/10.1111/j.0066-4812.2005.00508.x>
- Bourdieu, P (1998). The essence of neoliberalism; Utopia of endless exploitation. *Le Monde diplomatique*, September.
- Chul Han, Byung (1401). *Psycho-politics; Neoliberalism and new technologies of power*. Translated by Mustafa Insaifi. Tehran: Logos. (In Persian).
- Conrad, P (2007). *The Medicalization of Society: On the Transformation of Human Conditions into Treatable Disorders*. Baltimore: Johns Hopkins University Press
- Foucault, M (2008). *The Birth of Biopolitics: Lectures at the Collège de France, 1978—1979*. UK: Palgrave Macmillan.
- Foucault, Michel (2018). The history of madness. Translated by Fatemeh Valiani. Tehran: Hermes. (In Persian).
- Gordo-López, A.J (2000). On the psychologization of critical psychology, *Annual Review of Critical Psychology*, Vol. 2, pp55-71
- Harvey, D (2005). *A Brief History of Neoliberalism*. Oxford: Oxford University Press.
- Heydari, Arash (2016) Psychology, governance and neoliberalism. *Sociological Studies* 24(1). pp. 9-39. (In Persian).
- Kolahi, Mohammad Reza (1402). The emergence of the particleist discourse in the Third Republic. *Sociological Studies* 30(1), 27-50. [10.22059/JSR.2023.354710.1838](https://doi.org/10.22059/JSR.2023.354710.1838). (In Persian).
- Laclau, E; Mouffe, Ch (2001). *Hegemony and Socialist Strategy*. London: Verso
- Lasch, C (1980). *The Culture of Narcissism*. London: Abacus
- McGregor, S. (2001). Neoliberalism and health care. *International Journal of Consumer Studies*, 25(2), 82-89. [doi:10.1111/j.1470-6431.2001.00183.x](https://doi.org/10.1111/j.1470-6431.2001.00183.x)

- Pollack, S., & Rossiter, A. (2010). Neoliberalism and the Entrepreneurial: Implications for Feminism and Social Work. *Canadian Social Work Review / Revue Canadienne de Service Social*, 27(2), 155–169. <http://www.jstor.org/stable/41669933>
- Reibling, N (2023). Introduction. In *Toward a Biopsychosocial Welfare State? How medicine and Psychology Transform Social Policy* (Eds Reibling, N; Ariaans, M.) Switzerland: Palgrave Macmillan
- Scharff, C (2016). The Psychic Life of Neoliberalism: Mapping the Contours of Entrepreneurial Subjectivity. *Theory, Culture & Society*, 33(6). <https://doi.org/10.1177/0263276415590164>
- Türken, S.; Nafstad, H, E.; Rolv, M, B. & Roen, K (2016). Making Sense of Neoliberal Subjectivity: A Discourse Analysis of Media Language on Self-development, *Globalizations*, 13:1, 32-46, <https://doi.org/10.1080/14747731.2015.1033247>
- Venugopal, R (2015) Neoliberalism as concept, *Economy and Society*, 44:2, 165-187, <https://doi.org/10.1080/03085147.2015.1013356>
- Walkerdine, V (2021). Psychologization. *The Blackwell Encyclopedia of Sociology*. <https://doi.org/10.1002/9781405165518.wbeosp136.pub2>
- Whitmer, J. M. (2019). You are your brand: Self-branding and the marketization of self. *Sociology Compass*, e12662. [doi:10.1111/soc4.12662](https://doi.org/10.1111/soc4.12662)
- Zairi, Qasim; Narimani, Arash (2019). [Negation of the Social: The Emergence of Individualistic Discourses in Post-War Iran \(Psychology of Success, Mysticism and Homo Economics\)](#). *Sociological Studies*, 27(1). pp. 9-49 [10.22059/jsr.2020.78503](https://doi.org/10.22059/jsr.2020.78503). (In Persian).